



ارتباط ایمان و عمل صالح

فاطمه لاغری فیروزجائی^۱

طیبه مکی آبادی^۲

چکیده

ایمان و عمل صالح دو کفه ترازو برای سنجش میزان اعتقاد به خداوند و دو مسیر تعالی برای حصول به کمال، سعادت و قرب الهی است. از بررسی‌های علمی مشخص می‌شود که این دو عنصر کاملاً به هم وابسته بوده و هر کدام بدون دیگری بی‌معنا و اتر شمرده می‌شود. در این مقاله سعی شده است این دو مؤلفه که پایه‌های اساسی قرب به خداوند شمرده می‌شوند، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

نگارندگان در اثر حاضر تلاش کرده‌اند تا ارتباط میان ایمان و عمل صالح را از نظر آیات وحی و روایات معصومان علیهم‌السلام واکاوی کرده و مورد مطالعه قرار دهند که در پرتو بررسی ابعاد موضوع، این دستاورد حاصل آید که ایمان و عمل صالح در مسیر رسیدن به قرب الهی و نزدیکی به خداوند نقش مهمی ایفا کرده و بازتاب حضور این دو عنصر در این امر مهم بسیار چشم‌گیر و اثرگذار است.

کلید واژه‌ها: ایمان، عمل صالح، قرآن مجید، روایات

* تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۶

۱. کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث؛ گرایش نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث. (نویسنده مسئول)

Email: mehdisamak@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد علوم رشته قرآن و حدیث؛ گرایش نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث.

Email: olya_maki@yahoo.com

مقدمه

ایمان و عمل صالح به عنوان دو معیار اساسی برای سنجیدن میزان نزدیکی و تقرب به خداوند نقش و این دو معمولاً توأمان و در کنار یکدیگر کاربرد دارند که در آیات و روایات گوناگون و با تعابیر متفاوت بدان پرداخته شده است.

با توجه به کتاب و سنت (آیات قرآن و روایات) کسی که حقیقتاً مؤمن است باید به ایمان و معرفت خود نسبت به خداوند و جهان آفرینش بیفزاید و با اعمال صالح به مقام قرب الهی راه یابد.

بنا بر این ایمان و معرفت به خداوند و متعاقب آن انجام عمل صالح هر دو وابسته به یکدیگرند و اهمیت بررسی ارتباط بین این دو مؤلفه نیز از همین امر نشأت می‌گیرد.

لذا در اینجا این سؤال مطرح است که ایمان و عمل صالح چه ارتباطی با یکدیگر دارند و ثمرات این دو در زندگی دنیا و عقبای آدمی چه خواهد بود؟

هرچند مقالات و یا کتاب‌هایی در حوزه‌های عمومی در این زمینه به رشته نگارش درآمده است همچون: مقاله «عمل، معیار ایمان»، اثر جواد محدثی و نیز مقاله «عمل صالح از منظر قرآن کریم» اثر کامران ایزدی مبارکه و مقاله «رابطه ایمان و عمل صالح» اثر صدیقه افتاده، اما تاکنون به صورت تخصصی بدین بحث پرداخته نشده است و این مقاله قصد دارد ارتباط بین ایمان و عمل صالح را از نظر آیات الهی و روایات معصومان علیهم‌السلام به صورت تخصصی به تصویر بکشد.

در ابتدا واژه «ایمان» از نظر مفهوم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس عمل صالح و اکاوی شده و در انتها نیز ارتباط میان ایمان و عمل صالح با استناد به دلالت‌های قرآنی بررسی می‌شود.

در این تحقیق علمی علاوه بر بهره‌مندی از منابع غنی حدیثی مکتوب (کتابخانه‌ای) از نرم‌افزارهای اسلامی در حوزه علوم قرآن و حدیث نیز استفاده شده است که امیدواریم محصول این پژوهش علمی مورد استفاده مخاطبین محترم قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی ایمان

ایمان در لغت

ایمان از ریشه «أَمَنَ»^۱ و از ماده «أَمَن» و «أَمِنَ» و از باب «افعال» (أَمِنَ، یُؤْمِنُ، ایماناً) به معنای ایمن

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر



گردانیدن است. برخی لغویون همچون ازهری، آن را به معنای داخل شدن در صدق امانت الهی^۱ دانسته، بدین مضمون که خداوند انسان را امین خود شمرده است.^۲

برخی نیز همچون زجاج آن را به معنای اظهار خشوع و پذیرفتن شریعت و تصدیق قلبی معنا نموده‌اند.^۳ ایمان به معنی خضوع و انقیاد و فضیلت نیز آمده است.^۴

آنچه که می‌توان از نظرات برخی لغویون برداشت کرد آن است که ایمان، پذیرش قلبی و انقیاد نسبت به دین و شریعت است که انسان به حیطة امن، ایمان و آنچه باید بدان‌ها ایمان داشته باشد، وارد می‌شود.

تعریف اصطلاحی ایمان

ایمان در معنای اصطلاحی نیز به معانی گرویدن، یقین، باور داشتن، اعتماد ورزیدن و تصدیق نمودن به کار برده می‌شود و تعریف اصطلاحی آن در دین اسلام نیز بر اساس قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام عبارت است از تصدیق خدا و رسول او و اعتقاد به حقایق تمام آنچه که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است و این ایمان مستلزم استقامت و راستی زبان است، یعنی اقرار به شهادتین و جمیع عقاید حقه که حفظ و پایبندی به این عقاید مستلزم حفظ زبان از آنچه که سزاوار نیست، است. بدیهی است که لازم و ملزوم در استقامت باید هماهنگ باشند و افزون بر این، هر گونه مطالب باطل و خلاف که بر زبان جاری می‌شود متقابلاً مفاهیم این الفاظ، داخل قلب می‌شود که نفوذ این موارد در دل با استقرار و ثبوت ایمان منافات دارد.^۵

... ایمان شامل اسلام است و اسلام شامل ایمان نیست.^۶

در برخی آیات مبارک قرآن مجید از لفظ ایمان استفاده شده است (۸۷۹ مرتبه)، همچنین در چندین

و التوزیع، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۱.

۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، محقق / مصحح: علی هلالی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۸، ص ۲۳.

۲. بستانی، فؤاد افرام؛ فرهنگ/بجیدی، تهران: انتشارات اسلامی، بی‌تا، ص ۴.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ پیشین، ج ۱۳، ص ۲۱.

۴. سجادی، سید جعفر؛ فرهنگ معارف/اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۶۴.

۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار/الأنوار، مترجم: ابو الحسن موسوی همدانی، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۷.

۶. ابن شعبه، حسن بن علی؛ رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)، مترجم: پرویز اتابکی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، بی‌تا، ص ۲۹۹.



آیه که حجم آن نیز نسبتاً زیاد است از مشتقات ایمان نام برده شده است.

با جستجو در کلام معصومان علیهم السلام با روایاتی روبه‌رو می‌شویم که در آن سخن از ماهیت ایمان به میان آمده است. در این میان چند روایت بیشتر خودنمایی می‌کند که عبارت‌اند از:

... الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛^۱ ... ایمان عبارت است از معرفت

و شناخت توسط دل و اقرار زبان و کردار اعضا و جوارح بدن.^۲

و همچنین روایت:

... تَصْدِيقٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛^۳ ... تصدیق قلبی، اقرار به لسان و

عمل با ارکان.

به طور کلی، ایمان عبارت است از عقیده به یگانگی پروردگار و باور قلبی نسبت به او و تصدیق به دیگر ارکان اسلام و التزام عملی به این که به وظایف دینی رفتار کند. تصدیق به ارکان اسلام به تنهایی که با عصیان نیز همراه باشد، ایمان شمرده نمی‌شود. زیرا مخالفت و گناه، تمرد و تکذیب است.

پس تنها اعتقاد به ارکان اسلام برای حصول ایمان کفایت نمی‌کند و باید در کنار باور به خداوند و اعتقاد به یگانگی او و نیز اقرار به اسلام به وظایف دینی نیز عمل کند. چنانچه شخصی که معتقد به ارکان اسلام باشد اما از وظایف خود همیشه تخلف کند، مؤمن نیست. پس ایمان مجموع دو نیروی تصدیق قلبی و انقیاد جوارحی به وظایف است.^۴

عمل صالح

تفاوت فعل و عمل

عمل به معنای ایجاد اثر در چیزی است و فعل یعنی آنچه که ایجاد شده است.

أَنَّ الْعَمَلَ إِيجَادُ الْأَثَرِ فِي الشَّيْءِ، لِأَنَّ فِعْلَ ذَلِكَ الشَّيْءِ هُوَ إِيجَادُهُ.^۵

البته تفاوت‌های عمده‌ای برای فعل و عمل بر شمرده شده است که به صورت گذرا بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۷۸.
۲. همان، مترجم: احمد فهری زنجانی؛ تهران: علمیه اسلامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۵.
۳. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*؛ محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق، ۲۸۴، المجلس العاشر.
۴. برداشت شخصی از: حسینی همدانی، سید محمد حسین؛ *انوار درخشان*، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۷۱.
۵. عسکری، حسن بن عبدالله، *النروق فی اللغة*، بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۲۷.



۱- عمل در بارهٔ انسان‌ها بیشتر صدق می‌کند و به ندرت برای غیر انسان کاربرد دارد.^۱

۲- در عمل، حالات باطنی لحاظ می‌شود^۲ اما فعل گاهی به صورت سرزده انجام می‌پذیرد.

۳- عمل، شامل تمام افعالی است که با علم و اندیشه و قصد و اراده از انسان صادر شود.^۳

فَالْعَمَلُ: مَا يَكُونُ وَاقِعًا فِي الْخَارِجِ مِنَ الْفِعْلِ.^۴

فعل نیز لفظ عامی است که می‌تواند همراه با قصد صورت گیرد یا نگیرد، ایجاد صورت گیرد یا نگیرد. همراه با علم باشد یا نباشد، از انسان و یا غیر انسان صادر شود.^۵ در صورتی که عمل، لفظ خاصی است.

عمل، نشأت گرفته از یک منبع درونی است که بر مبنای آن، جریان می‌یابد و آنچه که بدان رنگ می‌بخشد، نیت است که در این رابطه چنین آمده است:

... إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِامْرِئٍ مَّا نَوَىٰ...^۶ ... پیامبر فرمود: همانا اعمال به نیت است

و برای هر مرد، نیتی است که در خاطر گرفته است.^۷

در رابطه با نیت و عملی که از آن می‌جوشد نیز روایتی است که می‌فرماید:

... نِيَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّةٍ^۸ نیت مؤمن

بهتر از عمل او و نیت کافر بدتر از عمل اوست و هر عاملی بر اساس نیتش عمل می‌کند.

دو نکته در این روایت به چشم می‌خورد. اول آن که نفس نیت ارجمندتر از عمل است. دوم آنکه سخن

از نیت مؤمن و نیت کافر به میان آمده است.

۱. مصطفوی، حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ج ۸، ص ۲۲۴.

۲. همان، ص ۲۲۵.

۳. راغب إصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن، محقق / مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۸۷.

۴. مصطفوی، حسن؛ پیشین.

۵. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد؛ ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، محقق / مصحح: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۳۷۲.

۶. حلی، حسن بن یوسف؛ نهج الحق و کشف الصدق، بیروت: دار الکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲ م، ص ۴۰۹، الفصل الأول فی الطهارة.

۷. همان، مترجم: علیرضا کهنسال، تهران: نشر تاسوعا، ص ۴۲۹، فصل اول: طهارت

۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۴۹.

حال، در باره این که چرا نیت گرانقدرتر از عمل است، گفته شده که ممکن است عمل آمیخته با ریا شده و برای خلق واقع شود در صورتی که نیت خالص برای خدا شکل گرفته است.^۱ در نتیجه، نیت اگر از ایمان نشأت گیرد به دلیل اتصال نزدیکتر، خلوصش هم بیشتر است. اما در رابطه با نکته دوم باید این را یادآور شد که نیت انسان مؤمن از ایمان و نیت انسان کافر از کفر وی نشأت می‌گیرد.

بررسی واژه «صالح»

در چندین آیه از آیاتی که ایمان و عمل صالح توأمان با یکدیگر ذکر شده‌اند، صفت صالح بر عمل حمل شده است، لذا این سؤال مطرح است که صالح به چه معناست؟

در فرهنگ‌های لغت برای صالح معانی متفاوتی ذکر شده است. یکی از وجوه معنایی آن، شایسته و شایستگی است.^۲ اما در فرهنگ قرآنی صالح به چه معناست؟ با مراجعه به آیات قرآنی می‌بینیم یکی از معانی که در مقابل صالح واقع شده، واژه «فاسد» است. آنجا که می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾^۳ آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.

یا آنجا که می‌فرماید:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۴ و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

فساد، نقیض صلاح بوده^۵ و به معنی خروج شیء از اعتدال است.^۶ در ذات فساد، تباهی و ویرانگری است و همچون خونی آلوده تمام پیکر را بیمار می‌سازد و اما صلاح که در نقطه مقابل آن قرار می‌گیرد اصلاح‌کننده، آبادگر و گره‌گشاست.

۱. همان، ص ۵۳.

۲. قرشی بنایی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۱۴.

۳. شعراء / ۱۵۲.

۴. أعراف / ۵۶.

۵. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد؛ المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ج ۸، ص ۲۸۸.

۶. قرشی بنایی، علی اکبر؛ پیشین، ج ۵، ص ۱۷۵.



در عمل صالح و اصلاح، نگاه به آینده و تغییر وضعیت مطلوب (صلاح مد نظر خداوند) و عدم اکتفا به وضع فعلی نهفته است.^۱

روی هم رفته صالحات همان «اعمال شایسته» است. البته نه تنها عبادات، اتفاق فی سبیل الله، جهاد در راه خدا، کسب علم و دانش، بلکه دربرگیرنده هر کار شایسته‌ای است که وسیله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه‌ها شود. این تعبیر حتی کارهای کوچکی همچون برداشتن یک سنگ مزاحم را از سر راه مردم نیز شامل می‌شود تا نجات میلیون‌ها میلیون انسان از گمراهی و ضلالت و نشر آیین حق و عدالت در تمام جهان.^۲ لذا عمل صالح عملی است لایق مقام عبودیت.^۳

بنا بر این می‌توان این‌گونه دریافت که عمل صالح عملی است که با اصلاح‌گری که انجام می‌دهد زندگی آدمی را به سوی کمال سوق می‌دهد.

ارتباط میان ایمان و عمل صالح

همان‌گونه که گفته شد عمل از نیت و نیت نیز از ایمان سرچشمه می‌گیرد، از طرف دیگر ایمانی که عملی در پی نداشته باشد کارآیی مطلوب خود را ندارد و نیز عملی که پشتوانه ایمانی نداشته باشد نفع چندانی در بر ندارد. امیر المؤمنین علی (ع) در این زمینه فرموده است:

به وسیله ایمان به اعمال شایسته استدلال می‌شود و به سبب اعمال صالح می‌توان بر وجود ایمان استدلال نمود.^۴

عمل صالح عملی است شایسته که مستلزم داشتن یک تصویر صحیح است که بدون این تصویر صحیح آن عمل میسر نمی‌شود، این تصویر صحیح را باید از ایمان به دست آورد. برای نمونه در کلام الهی از آن با عنوان «ایمان به یوم الآخر» و در قالب یکی از مقولات مهم و کلان ایمانی یاد شده است و این که انسان به طور دقیق و صحیح، آخرت و مصادیق آن را بشناسد^۵، سپس عمل متناسب با آن را جاری سازد.

۱. ذوالفقارزاده، محمد مهدی؛ درآمدی بر مدیریت صالحین، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳.

۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج ۲۷، ص ۳۰۰.

۳. امین، سیده نصرت؛ مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان، ۱۳۶۱ش، ج ۱۵، ص ۲۷۲.

۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین، ج ۳۲، ص ۲۴۰.

۵. ذوالفقارزاده، محمد مهدی؛ پیشین، ص ۱۳۲.



و یا از ایمان به غیب در قرآن سخن به میان می‌آید:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۱ آنان که به غیب ایمان

می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

در روایات ذیل این آیه، ائمه معصوم علیهم‌السلام چند مصداق از غیب را بیان فرموده‌اند که عبارت‌اند از:

... الْبَعْثُ وَ النُّشُورُ وَ قِيَامُ الْقَائِمِ وَ الرَّجْعَةُ ...^۲

لذا وقتی ما به غیب ایمان داریم به مصداق غیبی نیز ایمان داریم. بنا بر این، باید عملی از ما واقع شود که هم‌سو با ایمان به سمت این غیبات پیش رفته، شایسته آن مصداق ایمانی باشد تا به کار آید.

برای شفاف‌تر شدن مسئله، این نمونه را بیان می‌کنیم. پس از ظهور و قیام امام زمان علیه‌السلام امر رجعت واقع می‌شود. در رجعت کسانی که از مراتب ایمانی بالایی برخوردار باشند، بعد از مرگشان می‌توانند به دنیا رجعت کنند. لذا برای بهره‌مندی از فیض حضور در عصر طلایی حیات آدمی که عصر حاکمیت حق و برپایی دولت حق است باید از باب ایمان وارد شد، اما نه ایمانی ضعیف؛ بلکه ایمانی که استحکام داشته باشد. این ایمان باید در عرصه‌هایی که امکان تحقق برایش پدید آمد خود را در قالب عمل نشان دهد.

برای مثال در عصر امام حسین علیه‌السلام شاید بودند کسانی که لفظ مؤمن به آنان خطاب می‌شد، اما هنگام عمل که همان اطاعت و تبعیت از امام معصومشان بود، دچار لغزش و سستی شدند و از پیوستن به سپاه امام حسین علیه‌السلام باز ماندند.

... فَالْعَمَلُ الصَّالِحُ طَاعَةُ الْإِمَامِ وَلِي الْأَمْرِ وَ التَّمَسُّكُ بِحَبْلِهِ ...^۳ عمل صالح، اطاعت از

امام ولی امر مسلمین و تمسک به حبل ایشان است ...

وقتی از این زاویه می‌نگریم، به این نتیجه می‌رسیم که باید ایمانی جامع و کامل^۴ و از طرفی عمل متناسب با آن ایمان نیز داشته باشیم. وقتی ایمان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجود دارد باید ایمان به اولوا الامر نیز باشد، در راستای ایمان به اولوا الامر هم باید اطاعت داشت:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي

۱. بقره/ ۳.

۲. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۸۳- ۱۸۲ و ۱۵۷.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین، ج ۲۲ / ۴۷۷ / باب ۱ وصیته ص عند قرب وفاته و فیه تجهیز جیش أسامة و بعض النوادر ...

۴. بقره/ ۸۵: ﴿ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْنَا آيَاتِنَا فَتَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْهُنَّ مَا كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْهُ لِقَاءَ رُسُلِكُمْ إِنَّ رَبَّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^۵ و تخریجون فریقاً منکم من دیارهم تظاهرون علیهم بالاثم و العدوان و ان یأتوکم ...

شَيْءٍ فَرَدُّهُ... ﴿١﴾

و اطاعت نیز صرفاً یک مقوله تئوری نیست بلکه عمل هم می‌خواهد.

در بحث ایمان و عمل صالح یک نکته دیگر نیز به چشم می‌آید و آن این که هنگامی که سخن از ایمان و عمل صالح به میان می‌آید، در ادامه آن آیه بشارت به جنات و انهار می‌شود. به عبارت دیگر محصول ایمان توأم با عمل صالح، بهشت‌هایی خواهد بود که در آن نهرهایی جاری است.

لذا هم آن ایمان افق آخرت‌محور دارد و هم به تبع آن ایمان، عمل صالح نیز آخرت‌محور می‌شود.

داود بن فرق‌د گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

... إِنَّ الْعَمَلَ الصَّالِحَ يَذْهَبُ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَمُهِدُ لِصَاحِبِهِ كَمَا يَبْعَثُ الرَّجُلُ غُلَامَهُ فَيَفْرُسُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَا نَفْسَهُمْ يَمُهِدُونَ؛^۲ همانا کردار شایسته پیش از صاحب خود به بهشت رود و اسباب آسایش وی را فراهم و آماده سازد چنان‌که مردی پیشکار خود را جلوتر فرستد تا خانه را برای او فرش کند (و برای استراحت وی آماده سازد). سپس حضرت این آیه را خواند: ﴿وَأَمَّا كِسَاغُ الْإِنسَانِ أَنَّهُ لَا يُفْرَسُ لَهُ نَفْسُهُ﴾^۳ نموده‌اند همانا برای خودشان آسایشگاهی خوش فراهم می‌سازند.^۴

و همان‌طور که می‌دانیم آنچه که از آدمی سر می‌زند (با در نظر گرفتن اختیاری بودن اعمالش) در قیامت خود را با چهره‌هایی نشان می‌دهد. پس وقتی گفته می‌شود جنات و نهرها، منظور همان چهره‌های ایمان و عمل صالح‌اند که آن‌گونه در آن زمان خود را نشان می‌دهند. در روایتی نیز چنین آمده است:

... العمل الصالح حرث الآخرة...؛^۵ ... عمل صالح کِشته آخرت است ...

بذر عمل صالح در دنیا پاشیده می‌شود تا ثمراتش هم در دنیا و هم در آخرت آشکار شود. اما بر روی چه زمینی باید پاشیده شود؟ این بذر بر روی زمین ایمان قابلیت رشد خواهد داشت در غیر این صورت تباه خواهد شد و محصولی نیز در پی نخواهد داشت.

۱. نساء / ۵۹.

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین، ج ۶۸ / ۱۸۵ / باب ۶۴ الاجتهاد والحث علی العمل ...

۳. مفید، محمد بن محمد؛ *الأمالی*، مترجم: حسین استاد ولی، مشهد: آستان قدس رضوی، بی‌تا، ص ۲۱۵.

۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة؛ *تفسیر نور الثقلین*، محقق مصحح: هاشم رسولی محلاتی، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۵۶۷.



دلالت‌های قرآنی مبنی بر وجود ارتباط میان ایمان و عمل صالح

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد در فرهنگ قرآن کریم هر جا سخن از «ایمان» آورده شده در کنار آن «عمل صالح» نیز ذکر شده است که این می‌تواند بدان معنا باشد که گویی ایمان و عمل دو امر جدایی‌ناپذیر در رشد و تعالی انسان هستند. البته محققاً نیز این‌گونه است؛ زیرا ایمان و عمل صالح مکمل یکدیگرند و تأثیر متقابل بر هم دارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. آثار و ثمرات ایمان و عمل صالح نیز در همین دلالت‌ها نهفته است.

برخی از دلالت‌های قرآنی مبنی بر وجود ارتباط میان ایمان و عمل صالح در زیر بیان می‌شود:

بشارت‌های الهی به مؤمنین و عاملان به عمل صالح

بخشی از بشارت‌ها و وعده‌های نیکویی که خداوند به انسان‌ها می‌دهد شامل حال کسانی است که ایمان به همراه عمل صالح داشته باشند:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ هُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾^۱

در عبارت فوق به مژده غفران و بخشش الهی و پاداش بر ایمان و عمل صالح اشاره شده است که به عنوان یکی از ثمرات مهم ایمان و عمل صالح در زندگی مطرح می‌شود.

یا آنجا که خداوند در ادامه بحث ورود مؤمنین عامل به صالحات به جنّات، از حتمی بودن تحقق وعده‌اش سخن می‌گوید و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾^۲

همچنین آنجا که قرار است خلافت بر روی زمین به آدمی واگذار شده و شرایط مطلوب در زمین حاکم شود، نیازمند این است که آدمی مجهّز به لباس ایمان و عمل صالح شده تا بتواند مشمول این وعده خداوند قرار گیرد.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۳

۱. مائده / ۹.

۲. نساء / ۱۲۲.

۳. نور / ۵۵.



و همان‌طور که می‌دانیم تحقق وعده خداوند، حتمی است.

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱ وعده خداست. خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

پوشیده شدن سیئات محصول حضور توأم ایمان و عمل صالح

ثمره دیگر ایمان و عمل صالح در زندگی این است که خداوند به اهل ایمان و عاملین به اعمال صالح این نوید را نیز می‌دهد که اگر این دو اهرم را وارد زندگی خویش نمایند، سیئاتشان را تکفیر نموده و بهتر از آنچه که عمل کردند را به عنوان جزا و پاداش به آنان می‌دهد.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲

چنین پاداشی از سوی خداوند، نشان‌دهنده اهمیت این دو عنصر بوده که اگر هر دو با هم حاضر باشند چنین بازتابی خواهد داشت.

از این دلالت‌های قرآنی می‌توان این نکته را دریافت که ایمان و عمل صالح به صورت توأمان، دربردارنده ثمرات بسیار ارزشمندی هستند برای مؤمنانی که عامل به اعمال صالحند.

نتیجه‌گیری

در پایان مطالب این مقاله چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ایمان نوری است که اگر قلب آدمی مساعد دریافت آن بوده و حجاب و مانعی برایش نباشد، بدان راه می‌یابد و اگر قفلی بر آن باشد نور ایمان بر آن نخواهد تابید. نور ایمان که وجود انسان مؤمن را در بر گرفته، منحصر به فعل و انفعالات درونی نیست بلکه بازتاب این نور در عالم خارج از وجود آدمی، نیز آشکار خواهد بود؛ لذا برای تابش آن نیاز به مجرایی است مناسب با آن تا بتواند منعکس شود. از این رو، عمل صالح مجرای خوبی برای انعکاس پرتو نور ایمان است که در چند آیه از کلام خداوند حضور توأمان ایمان و عمل صالح بیان شده و آثار این حضور، خود را به صورت جنات و آنهار نشان داده که از آن به عنوان ثمرات ایمان و عمل صالح نام برده می‌شود. همچنین خداوند، انسان‌های مؤمن عامل به عمل صالح را بشارت به نعم و فضل الهی داده است که از آن جمله می‌توان به غفران الهی و پاداش برای حسنات و محو و پوشیده شدن سیئات اشاره کرد.

۱. روم / ۶.

۲. عنکبوت / ۷.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ الخصال، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش؛ ۲ ج.
۳. _____ مترجم: احمد فهری زنجانی، تهران: نشر علمیه اسلامی، بی تا.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)، مترجم: پرویز اتابکی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، بی تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق؛ ۱۵ ج.
۶. امین، سیده نصرت؛ مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان، ۱۳۶۱ ش؛ ۱۵ ج.
۷. بستانی، فؤاد افرا؛ فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
۸. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش؛ ۷ ج.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة، محقق / مصحح، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ ق؛ ۳۰ ج.
۱۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، محقق / مصحح: علی هلالی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. حسینی همدانی، سید محمد حسین؛ انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق؛ ۱۸ ج.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف؛ نهج الحق و کشف الصدق، بیروت: دار الکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲ م.
۱۳. _____ مترجم: علیرضا کهنسال، تهران: نشر تاسوعا.
۱۴. حمیری، عبد الله بن جعفر؛ قرب الإسناد (ط - الحديثه)، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. ذوالفقار زاده، محمد مهدی؛ درآمدی بر مدیریت صالحین (نگاهی قرآنی و آینده محور)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن، محقق / مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. سجادی، سید جعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳؛ ۳ ج.
۱۸. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد؛ المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق؛ ۱۱ ج.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن؛ الأمالی، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة؛ تفسیر نور الثقلین، محقق / مصحح: هاشم رسولی محلاتی، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق؛ ۵ ج.
۲۱. عسکری، حسن بن عبدالله؛ الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجدیدة، ۱۴۰۰ ق.

۲۲. قرشی بنایی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ ق؛ ۷ ج.
۲۳. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد؛ ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، محقق / مصحح: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق؛ ۷ ج.
۲۴. گنابادی، سلطان محمد؛ ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، مترجم: خانی رضا / حشمت الله ریاضی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الأنوار، ترجمه ابو الحسن موسوی همدانی، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر، بی تا؛ ۱۱۰ ج.
۲۶. محدثی، جواد؛ «عمل، معیار ایمان»، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۷۸.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول ۱۳۷۶؛ ۲ ج.
۲۸. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش؛ ۱۴ ج.
۲۹. مفید، محمد بن محمد؛ الأمالی، مترجم: حسین استاد ولی، مشهد: آستان قدس رضوی، بی تا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش؛ ۲۷ ج.